بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه - مطهرات ..8/3/1400

( مطهرات - حکم پوست حیوانات در دست مسلمان و بازار آنها و دست کفار و بازارشان - موارد شستن ملاقیٖ با اینکه پاک هست )

مساله سوم : حکم پوست های حیواناتی که در دست و بازار مسلمانان است ، این مساله قبلا در باب نجاست میته در مساله ۶ گذشت و فقها حکم به طهارت کردند و گفتند که اگر از بازار مسلمین یا بازار حنفی بودند یا مالکی بودند و قائل بودند که پوست حیوان مرده با دباغی پاک می شود باز هم می توانید پوست در دست مسلمانها و بازار را حکم به طهارت کنید با اینکه در فقه شیعه دباغی مطهر نیست ولی از نظر فقه شیعه دست مسلم و بازار آن یا اجناسی که در بلاد اسلام ساخته شده و یا در سرزمین مسلمان ها پوستی افتاده اینها امارات معتبره بر تزکیه اند پس از باب اماریت بر تزکیه قابل استفاده است و مسلمانان از اجزای حیوان غیر مذکی استفاده نمی کنند حتی در بازارشان پس ید مسلم نشانه تذکیه است علاوه بر این دلیل نیز سیره قطعیه مسلمین و روایات بر طهارت جلود هایی است که در دست مسلمانها و بازار آنهاست

نمونه روایت : صحیحه حلبی است. عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الخفاف التي تباع في السوق، فقال علیه السلام :

اشتر وصل فيها حتى تعلم أنه ميتة بعينه. که چکمه ها از پوست حیوانات است .... مگر اینکه بدانی این پوست مردار بدون و ایشان از پوست مردار این کفش و چکمه را درست کرده است ، وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۰۷۱ ح ۲ باب ۵۰

مضافا روایاتی که در باب جواز خوردن پنیر وارد شده درحالی که می دانیم گاهی خمیر مایه پنیر را از میته می گیرند اما چون این پنیر در بازار مسلمانان فروخته می شود خوردن آن جایز است لذا امام باقر علیه السلام در بخشی از بیانشان فرمودند والله انی لاعترض السوق یعنی بازار می روم فاشتری به اللحم و الثمن و الجبن و الله ما اظن کلهم یسمون که من گمان ندارم که این روستایی ها و این سیاه ها نام خدا ببرند در عین حال چون مسلمانند و با نام خدا ذبح انجام می دهند مشکلی ندارد

نعم : پوستی که از دست کافر گرفته می شود یا در سرزمین کفار پیدا می کند محکوم به نجاست است چون اصالة عدم تزکیه جاری است لذا دست کافر یا سرزمین کفار را اماره بر عدم تزکیه نکنید چون روایات بر اماریت ید کافر یا سرزمین آن بر عدم تزکیه وارد نشده است لذا اگر شک هم کردی که تذکیه شده یا نه ؟ استصحاب عدم تزکیه جاری کنید

نظر شاذ مرحوم اقای خویی در این بحث :

ایشان در تعلیقه عروه الوثقی فرمودند که حکم به نجاست پوستی که از کفار می گیرند یا در سرزمین آنها می گیرد محل اشکال است بلکه ممنوع است چون نجاست بر عنوان میته مترتب است و عنوان میته با استصحاب عدم تزکیه ثابت نمی شود بله ماخوذ از دست کافر یا سرزمین کفار اکل ونماز خواندن در آن جایز نیست

از بیان فقها روشن شد که نظر ایشان فقط اختصاص به ایشان دارد چون فقها با اصل عدم تزکیه میته را ثابت می کنند لذا دست یا زمین کافر اماره بر عدم تزکیه نیست و هیچ اماریتی ندارد و اگر حکم به نجاست می شود بخاطر استصحاب عدم تزکیه است که ثابت می کند میته است و میته نجس است

جواب به آقای خویی : به ایشان می گوییم غیر مذکی نفس میته در لسان شرع مقدس و متشرعه است و لازم لا ینفک غیر مذکی میته بودن است یا خود غیر مذکی خودش میته است حالا میته را چه لازم لاینفک عدم تزکیه بدانید یا خود عدم تذکیه بدانید ، موضوع حکم شرعی نجاست شد پس استصحاب تذکیه اصل مثبت نشد بلکه احراز موضوع حکم شرعی شد

مساله چهارم : غیر از سگ و خوک بقیه حیوانات حرام گوشت قابل تذکیه اند و پوست و گوشت آن حیوان بعد از تذکیه پاک می باشد و در اواخر مبحث بول به آن اشاره شده است

مساله پنجم ؛ موارد استحباب شستن ملاقیٖ با وجود اینکه پاک است :

مورد اول : بدن یا لباس اگر به بول اسب یا قاطر یا حمار ملاقات کند با وجود اینکه بول این سه حیوان نجس نیست چون روایات دراین باب دو دسته است :

دسته اول : نفی بأس می کند یعنی شستن را نفی می کند مثل صحیحه عن معلى بن خنيس، وعبد الله بن أبي يعفور قالا: كنا في جنازة وقدامنا حمار فبال فجائت الريح ببوله حتى صكت وجوهنا وثيابنا، فدخلنا على أبي عبد الله فأخبرناه، فقال: ليس عليكم بأس. وسائل الشیعه ج ۲ص ۱۰۱۱ ح ۱۴

دسته دوم : روایاتی که امر به شستن می کند عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ابوال الخیل والبغال، فقال: اغسل ما أصابك منه ، وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۰۱۱ ح ۱۱

نتیجه : حال جمع بین این دو دسته اخبار حمل بر استحباب است و این جمع تبرعی است

یمکن ان یقال : به نظر ما شاید روایاتی که امر به شستن است حمل بر تقبه می باشد چون این روایت موافق با فتوای فقهای اهل سنت است که آنها حیواناتی که خوردن گوشت آنها مکروه می باشد شستن بول آن را واجب می دانند و اگر حمل بر تقیه شد دیگر مستحب نیست

مورد دوم : اگر موش زنده مرطوب به فرش و لباسی خورد و آثار آن باقی است با اینکه موش نجس نیست به سبب حمل بر استحباب دو دسته اخبار :

دسته اول : روایت صحیحه عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال: سألته عن الفارة الرطبة قد وقعت في الماء فتمشي على الثياب، أيصلي فيها؟ قال: اغسل ما رأيت من أثرها، وما لم تره انضحه بالماء. انجایی که اثرش نیست مقداری آب بپاش حال کلمه اغسل دلالت بر وجوب شستن دارد

دسته دوم : صحیحه علی ابن جعفر عن اخیه موسی علیه السلام: موشی در ظرف روغن افتاد و قبل از اینکه بمیرد بیرون آمد آیا می توانم این روغن را به مسلمان بفروشم قال نعم و یدهن به حال جمع بین است دو روایت استحباب است و حمل بر تقیه نمی شود کرد